

# روح الله خالقی



از : چیترا

✽ یازده سال از مرگ روح الله خالقی هنرمند برجسته ایران ،  
می گذرد . خالقی بر گردن موسیقی ایرانی حق فراوانی دارد . اینک  
که درباره گسترش موسیقی در عصر درخشان پهلوی سخنی به میان  
آورده ایم ، با چاپ زندگینامه او ، یادش را گرامی می داریم . ✽

" هفت هنر "

\* "مستر جردن، رئیس مدرسه به لهجه مخصوص فارسی خود،  
اول دعا می خواند، بعد خانم جردن پشت ارگ می نشست و آهنگی  
می نواخت و ماهمگی با او هم آواز می شدیم و سرود می خواندیم...  
البته من در آن موقع منظور اولیای مدرسه را از این اجتماع و سرود  
خواندن و جشن در نمی یافتم. بعدها که به هدف تعلیم و تربیت  
آشنا شدم، به خوبی دریافتم که همین کار کوچک چقدر برای ایجاد  
حس همکاری و به نشاط آوردن روح جوانی کمک بزرگی بوده است...  
چهل سال قبل امریکاییها در مدرسه خودشان این رسم را داشتند،  
وزارت معارف هم می دید و می شنید، اما در مدارس ایرانی این کار را  
تقلید نمی کردند و سالها طول کشید تا سرود جزو برنامه مدارس شد."

این قسمتی از خاطرات روح الله خالقی است که در کتاب  
"سرگذشت موسیقی ایران" به رشته تحریر در آورده است.

روح الله خالقی به سال ۱۲۸۵ در شهر کرمان متولد شد و چند  
ماهی بعد با خانواده اش به تهران آمد. سالهای کودکی او همزمان  
با جنبشهای آزادی خواهان و مشروطه طلبان بود، خودش روحا  
انسان آزاده طلبی بود. پدرش شادروان "میرزا عبدالله" در نزد  
والی کرمان پیشه منشی گری داشت و پس از کوچ به تهران نزد این و  
آن به نوشتن و تنظیم قباله ها و نامه ها می پرداخت و گهگاه نیز به  
سفر می رفت. مشغله پدر روح الله فراوان بود و کمتر فرصت می یافت  
در نزد خانواده اش به سر برد.

"میرزا عبدالله" ذوق سلیمی داشت، در تهران که بود  
مجالس انس ترتیب می داد، به موسیقی علاقه زیادی داشت. در نزد  
"آقا رضا خان" و "حسینقلی شهبازی" تلمیذ موسیقی کرده بود و  
نوازندگی تار را به خوبی می دانست. روح الله در دامان خانواده ای  
هنرمند و در نزد پدری هنرمندتر پرورش یافت، و توانست موسیقی  
را بفهمد.

بعد از آن که در مدرسه امریکایی های تهران نام نوشت فرصت

بیشتری برای درک مفاهیم و زیر و بم‌های موسیقی یافت. مرحوم  
" رکن‌الدین مختاری " ویلن نواز مشهور در همسایگی روح‌الله به سر  
می‌برد و نوای سحر آفرین ویلن مختاری برای روح‌الله جوان همیشه  
پراز جذبه و شور بود.

در ۱۲ سالگی همراه خانواده‌اش به شیراز سفر کرد و برای  
نخستین بار در مجلسی دوستانه " ویلن " را دید. خود خالقی در  
این باره می‌نویسد:

" شب‌همه دوریکدیگر در اتاقی نشستیم و دوستان " قراب "  
هم آمدند. چیزی که بیشتر جلب توجه مرا کرد، دو جعبه‌ای بود که  
در طاقچه گذارده بودند. از سید حسن پرسیدم، اینها چیست؟  
گفت: بعد معلوم می‌شود. مادرم به قراب گفت: چرا همه چیز را  
به بعد وعده می‌دهید؟، قراب خندید و به طرف طاقچه رفت و جعبه‌ها  
را پایین آورد و آنها را باز کرد و آنچه درون جعبه‌ها بود، روی زمین  
گذاشت. باکمال تعجب دیدم، یک تار و یک ویلن است. من به طرف  
ویلن رفتم و به تماشای آن که تا کنون ندیده بودم، مشغول شدم،  
قراب به دوستانش گفت: این بچه عاشق موسیقی است. تصنیف‌های  
عارف را هم می‌خواند. حالا بنوازیم و بخوانیم. بعد رویش را به  
من کرد و گفت: سازها را دست آقایان بده.

روح‌الله خالقی مدت دو سال در شیراز بود. بعد از آن که  
والی شیراز از کار برکنار شد، با توجه به دگرگونی ایران، والی سابق  
شیراز و پدر خالقی عازم تهران شدند، ولی کشورمان به قدری آشفته  
و پریشان بود که خانواده خالقی در اصفهان ماندگار شدند و این  
اقامت یکسال به طول انجامید.

خالقی در سال ۱۳۰۰ به همراه خانواده به تهران آمد و در  
همین زمان به دیدار درویش خان نایل شد و مشق ویلن را نزد یکی  
از اقوامش که کمانچه‌زن ماهری بود، آغاز کرد. یکسال بعد روزی به  
اتفاق پدرش به سالن " گراند هتل " رفت و به دیدار " عارف " نایل  
آمد.

۱۷ ساله نشده بود که به علینقی وزیر بر خورد کرد در

خاطراتش می نویسد :

" در اوایل زمستان ۱۳۰۲ روزی آگهی افتتاح مدرسه عالی موسیقی را در روزنامه خواندم و بی درنگ برای اسم نویسی به کوچه آقا قاسم شیروانی واقع در خیابان نادری رفتم . علینقی خان در اتاقی پشت میز نشسته بود و شخصا " نام داوطلبان را ثبت می کرد . قیافه جدی و چشمان نافذ و گفتار او با موسیقیدانهای که تا آن زمان دیده بودم تفاوت بسیار داشت . مردی بود حدود سی و هفت سال که چهره او ، مزاج توانا و سالمی را نشان می داد . . . . . "

بعد از آن ، خالقی هفته ای دوبار ، عصرها نزد علینقی وزیری به درس و مشق موسیقی پرداخت ، شیفته استاد خود شده بود و عاشقانه به موسیقی تمایل پیدا کرده بود .

چندی نگذشت که خالقی در ارکستر وزیری ، سمت ویلن زن را بدست آورد . عشق به موسیقی سبب شد ، مدرسه امریکائی را علی رغم مخالفت خانواده رها سازد و برای همیشه روانه مدرسه عالی موسیقی گردد ( ۱۳۰۳ ) . در مدرسه عالی موسیقی ، خالقی به آموختن موسیقی پرداخت ، در این باره می نویسد :

" کار ما از ساعت هشت صبح تا ساعت ۱۲ متوالی ادامه داشت فقط دو ساعت بین روز را استراحت می کردیم و ده ساعت دیگر را آنی از کار غافل نبودیم . . . . . " و مطالعات فرسنگی پدرش سخت مخالف راهی بود که خالقی برای خود انتخاب کرده بود ، یک چند با فرزندش قهر کرد تا بالاخره خالقی را واداشت به تحصیلات معمولی خود ادامه دهد .

پس از ۲ سال خالقی معلم موسیقی شد و در سال ۱۳۰۷ ، پس از آن که وزیری ریاست هنرستان موسیقی دولتی را پذیرفت ، خالقی همراه او به مدرسه مزبور رفت . و به آموزش موسیقی ادامه داد . . . . کم مخالفت خانواده رخت بر بست و خالقی توانست با اندیشه ای آزاد به تعلیم و آموزش بپردازد .

بعد از سال ۱۳۰۸ به تحصیلات خود در دارالفنون و دارالمعلمین عالی ادامه داد و در خرداد ماه ۱۳۱۳ از رشته فلسفه و

ادبیات دانشسرای عالی " دارالمعلمین سابق " لیسانس گرفت . در همه این مدت ، موسیقی را کنار گذاشت .

از آن پس خالقی به تدریس جدی در هنرستان اقدام کرد . در کافه بلدیه ( شهرداری ) شبها به نوازندگی در ارکستر پرداخت . در سال ۱۳۱۳ که علینقی وزیر از پست ریاست هنرستان ملی موسیقی برکنار شد ، خالقی شاگرد او سخت دل آزرده شد ولی خدمت را ترک نکرد تا اینکه هفت سال بعد ، وزیر بار دیگر به خدمت فرا خوانده شد .

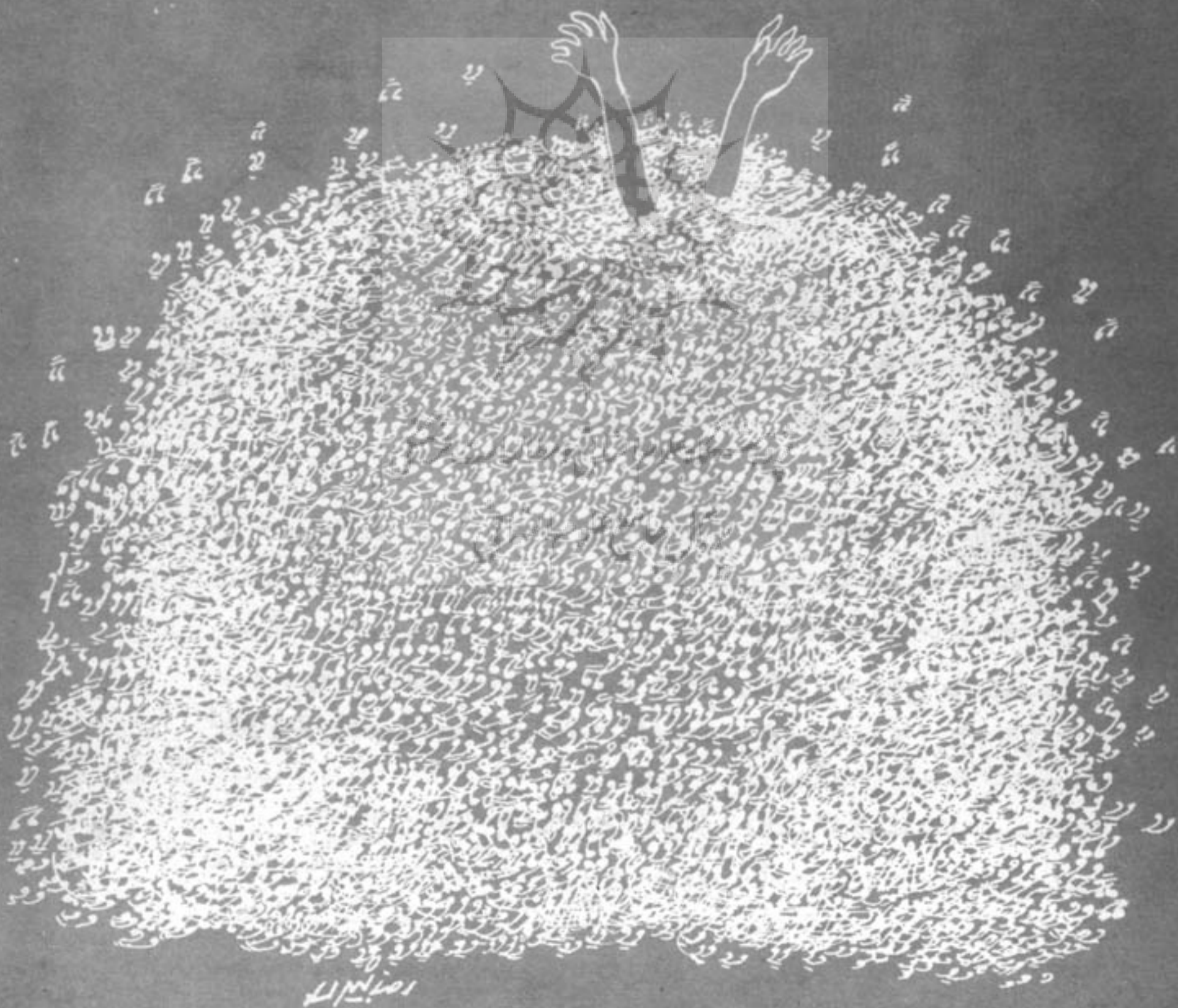
در سال ۱۳۲۸ ، به تاسیس هنرستان موسیقی ملی اهتمام ورزید و پیش از آن ، استادان قدیمی موسیقی " انجمن موسیقی ملی " را تاسیس کرده بودند که خالقی در این انجمن عضویت داشت . این انجمن در سال ۱۳۲۸ به اداره کل هنرهای زیبای کشور " وزارت فرهنگ و هنر امروز " انتقال یافت و تصدی آن به عهده خالقی گذاشته شد ، او در شهریور ۱۳۳۸ از این سمت کناره گرفت .

خالقی پس از کناره گیری از هنرستان به همکاری خود با رادیو ادامه داد . برنامه " گل‌های رنگارنگ " او که در رادیو تنظیم و تدوین می شد هنوز هم از بهترین و اصیلترین برنامه‌های موسیقی کشور بشمار می رود .

روح‌الله خالقی ، روحی حساس داشت ، زود عصبانی می شد به زخم معده گرفتار بود . با همکاری دخترش " گلنوش " به یکی از بیمارستانهای سالز بورگ رفت و بستری شد و در همان بیمارستان در شب ۲۱ آبانماه ۱۳۴۴ چشم از جهان بست .

از روح‌الله خالقی آثار فراوانی مانده که همه آنها ارزشمند است . " نظری به موسیقی " ، " کتاب هماهنگی " ، " سرگذشت موسیقی ایران " در ۲ جلد و مقالات جسته و گریخته از او فراوان بجای مانده است .

خدمات روح‌الله خالقی طی پنجاه سال اخیر به موسیقی ایرانی هرگز از خاطر علاقه‌مندان موسیقی ملی این مرز و بوم فراموش نخواهد شد . خاطرش را گرامی می داریم . روانش همواره شاد باد .



المجلد